آیات ولایت

آیه مباهله و معرفی امیرمؤمنان(ع) به‌عنوان جان پیامبر(ص)

احمد عدالتیان| خداوند متعال در آیه۶۱ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءناونساءکم وانفسناوانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنه‌الله علی الکاذبین؛ هرکه با تو پس از آنکه آگاه شدی، به مجادله برخیزد، بگو بیایید تا بخوانیم فرزندان خود و فرزندان شما را، زنان خود و زنان شما را، و جان‌های خود و جان‌های شما را و لعنت خدا را بر گروه دروغگو بفرستیم.»

این آیه، یکی از آیاتی است که به فضیلت‌ها و ویژگی‌های برتر امیرمؤمنان علی(ع) و به واقعه‌ای اشاره می‌کند که در آن، پیامبر اسلام(ص) با منتخبی از مسیحیان نجرانی به مباهله پرداختند. خداوند متعال در این آیه به پیامبر خود می‌گوید که به مسیحیان بگو: خودتان، فرزندان و زنان خود را بیاورید تا درمقابل هم دعا کنیم و لعنت خداوند را بر گروه دروغگو قرار دهیم.

اما پیامبر(ص) برای مباهله از میان مسلمانان و بستگان، فقط حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین(ع) را با خود بردند؛ یعنی علاوه بر اینکه حسن و حسین (علیهماالسلام) را فرزندان خود و فاطمه(س) را یگانه زن منتسب به خاندان خویش دانسته‌اند، شخص حضرت علی(ع) را به عنوان «انفسنا» دانسته‌اند و آن شخصیت عظیم جهان، به منزله جان و خود پیامبر(ص) معرفی می‌شوند و فضیلتی بالاتر از این نیست که شخصی از نظر معنویت و فضیلت به پایه‌ای برسد که خداوند بزرگ، او را به منزله جان و روح پیامبر(ص) بخواند.

همچنین این آیه و این ویژگی علی بن ابیطالب(ع) را علاوه بر اینکه مفسران و دانشمندان شیعه در کتاب‌ها آورده‌اند، از میان علما و دانشمندان اهل‌تسنن نیز شصت نفر در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند.

فضایل مولا

صبحی که مدینه، نفس را در سینه حبس کرد

مباهله| طرح: رضا بدرالسماء

علیرضا وکیلی| مدینه آرام نبود. گفت‌وگوهای طولانی پیامبر اسلام(ص) با هیئت مسیحیان نجران، شهر را در وضعیتی از انتظار و التهاب، نگه داشته بود. هرچه استدلال‌ها روشن‌تر می‌شد، فاصله میان پذیرش و انکار بیشتر به چشم می‌خورد. حالا قرار بود کار به «مباهله» برسد؛ به لحظه‌ای که زبان‌ها دیگر کنار می‌روند و انسان‌ها با تمام حقیقت خود به میدان می‌آیند. خبر در شهر پیچیده بود که فردا، پیامبر خدا(ص) برای آخرین داوری به بیرون مدینه خواهد رفت. خیلی‌ها تصور می‌کردند او با جمعیتی از مسلمانان، سران قبایل و چهره‌های بانفوذ حرکت خواهد کرد؛ نمایشی از قدرت برای پایان دادن به یک نزاع اعتقادی. اما صبح مباهله، تاریخ مسیر دیگری را انتخاب کرد.

خورشید هنوز کاملا بالا نیامده بود که نگاه‌ها به مسیر خروجی مدینه دوخته شد. سکوتی سنگین میان حاضران جریان داشت. ناگهان پیامبر(ص) پدیدار شد؛ آرام، مطمئن و بی‌تکلف. دست حسن و حسین(ع) در دستانش بود، فاطمه(س) پشت سر او قدم برمی‌داشت و علی(ع) چنان درکنار پیامبر(ص) حرکت می‌کرد که گویی این صحنه، تصویری از تمام حقیقت اسلام است. جمعیت، بی‌اختیار به این پنج تن خیره مانده بود. هیئت نجران انتظار هر چیزی را داشت، جز این صحنه آرام و درعین حال تکان‌دهنده. اسقف نجران، نگاهش را از چهره‌های نورانی آنان برنمی‌داشت. نقل کرده‌اند که با اضطرابی پنهان گفت: «من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوه‌ها جابه‌جا شود، چنین خواهد شد.»

هنوز دست‌ها برای دعا و نفرین بالا نرفته بود، اما همه می‌دانستند که پیش از هر سخنی، حقیقت آشکار است. اینجا دیگر بحث بر سر پیروزی در یک مناظره نبود؛ مسئله این بود که چه کسانی آن‌قدر به پیامبر(ص) نزدیک‌اند که خدا آنان را در حساس‌ترین لحظه تاریخ اسلام، کنار رسولش قرار داده است. آیه مباهله نیز دقیقا همین حقیقت را ثبت کرد؛ آنجا که سخن از «فرزندان ما»، «زنان ما» و «جان‌های ما» به میان آمد. درمیان همه مسلمانان، تنها علی(ع) بود که در جایگاه «أَنفُسَنا» قرار گرفت؛ تعبیری شگفت که نشان می‌داد نسبت او با پیامبر(ص)، صرفا یک خویشاوندی عادی نیست. گویی قرآن می‌خواست بگوید ولایت، ادامه طبیعی همان راهی است که از نبوت آغاز شده است.

هیئت نجران عقب نشست. آن‌ها می‌دانستند که کسی، عزیزترین افرادش را برای یک ادعای غیرواقعی به میدان نمی‌آورد. پیامبر(ص) در روز مباهله، به‌جای تکیه بر جمعیت و قدرت ظاهری، نزدیک‌ترین انسان‌ها به حقیقت الهی را همراه خود آورد؛ کسانی که تمام وجودشان، آیینه صداقت رسالت بود. در این میان، حضور امیرالمؤمنین(ع) معنایی فراتر از یک همراهی خانوادگی داشت. او در متن این واقعه، به‌عنوان جان پیامبر(ص) معرفی شد؛ شخصیتی که در بزنگاه‌های بزرگ تاریخ اسلام، همواره درکنار رسول خدا(ص) ایستاده بود؛ از شب هجرت تا غدیر و از میدان‌های نبرد تا روز مباهله؛ هان ای تاریخ! چه کسی چنین فضیلتی را دارد؟

مباهله فقط یک واقعه تاریخی نیست که در کتاب‌ها باقی مانده باشد. این حادثه، معیاری برای تمام دوران‌هاست؛ معیاری برای تشخیص جبهه حق. در روزگاری که حقیقت میان هیاهوها گم می‌شود، مباهله یادآوری می‌کند که باید دید چه کسانی درکنار حجت الهی ایستاده‌اند. حق همیشه در پرجمعیت‌ترین صف‌ها خلاصه نمی‌شود؛ گاهی تمام حقیقت در چهره چند انسان خلاصه می‌شود که خدا آنان را برگزیده است. قطعا به همین دلیل است که مباهله هنوز هم زنده است؛ چون مسئله ولایت، مسئله‌ای تاریخی و پایان‌یافته نیست.

رشته‌ای که در مباهله آشکار شد، در غدیر ادامه پیدا کرد و در امتداد تاریخ به امامت حضرت مهدی(عج) رسید. اگر آن روز پیامبر(ص)، اهل بیت(ع) را به‌عنوان نزدیک‌ترین انسان‌ها به حقیقت معرفی کرد، امروز نیز جهان برای رسیدن به آرامش و عدالت، محتاج همان امتداد ولایت است. در نگاه شیعه، زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نمی‌شود و حقیقتی که در صحنه مباهله کنار پیامبر(ص) ایستاد، اکنون در قامت آخرین ذخیره الهی، ادامه یافته است. تاریخ، هنوز در انتظار کامل شدن همان نوری است که آن صبح آرام، از مدینه طلوع کرد.

مروری بر فضایل، برکات و آثار نماز اول وقت در زندگی فردی و اجتماعی

راز محبوبیت نزد خدا

گزارش

آمنه مستقیمی| انسان بالذات علاقه دارد به کارهای خود - به قول امروزی‌ها- ارزش‌افزوده بدهد و با یک اقدام و عمل، آثار و نتایج بسیار ببیند؛ اسلام با نگاه به این خواسته، راه را برای او باز کرده است تا با رعایت برخی شرایط و ضوابط، ارزش اعمال و کارهایش را افزایش دهد و اجر و پاداش بیشتری ببرد؛ مثل نماز که اگرچه بر هر مسلمان واجب است، با تقید به خواندن اول وقت، رعایت تعقیبات، حضور قلب و... ارزش و اثرگذاری خاص می‌یابد. در ادامه، برکات نماز اول وقت و تأثیر آن بر زندگی را مرور می‌کنیم.

نماز برتر

آموزه‌های دینی به‌ویژه روایات حضرات معصوم(ع) بر نماز اول وقت، تأکید و توصیه بسیار کرده‌اند و برای آن فضایل و برکات فردی، روحی‌روانی، خُلقی، اجتماعی و حتی اقتصادی برشمرده‌اند که انسان را به اهتمام به نماز اول وقت مشتاق می‌کند. امام صادق(ع) در فضیلت نماز اول وقت می‌فرمایند: «برتری نماز اول وقت بر نماز آخر وقت، مانند برتری آخرت بر دنیاست.» (**ثواب‌الأعمال، ج یک، ص۵۸**) امام رضا(ع) نیز در توصیه به نماز اول وقت می‌فرمایند: «انجام نماز را بدون علت، از اول وقت آن تأخیر نینداز! بر تو باد همیشه به (نماز) اول وقت!» (**بحارالانوار، ج۴۹، ص۴۹**)

خداوند نماز اول وقت را دوست دارد

بیشتر ما علاقه‌مند به انس با خدا و نزدیک شدن به او(قرب) هستیم و چه بسا برای آن، راه‌های سختی را هم انتخاب کنیم، درحالی‌که نماز اول وقت این فرصت را به‌آسانی دراختیار ما قرار می‌دهد؛ چون این نماز محبوب خداست و آن را دوست دارد. نقل شده است زُراره از امام باقر(ع) پرسید: «خداوند کار شما را به صلاح آورد؛ ادای نمازها در اول وقت آن بهتر است یا در وسط وقت یا در آخر وقت؟» امام(ع) فرمودند: «در اول وقت. رسول خدا(ص) فرمودند: خداوند عزوجل، کارهای نیک را موقعی دوست دارد که در انجام آن تعجیل شود.» (**کافی، ج۳، ص۲۷۴**) وقتی کاری را که خدا دوست دارد انجام می‌دهیم، مسیر انس و قرب به او را کوتاه و هموار می‌کنیم.

گرفتاری و غم را رفع می‌کند

نماز اول وقت، شاه‌کلید گشایش بسیاری از گرفتاری‌ها و مشکلات نیز است و به وقت بحران به دادمان می‌رسد. این وعده پیامبر(ص) است که فرمودند: «بنده‌ای نیست که به وقت‌های نماز اهمیت بدهد، مگر اینکه من سه چیز را برای او ضمانت می‌کنم: برطرف شدن گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها، آسایش و خوشی به هنگام مرگ و نجات از آتش.» (**سفینه‌البحار، ج۲، ص۴۲**) این حدیث به‌خوبی پرده از آثار و برکات خواندن نماز در اول وقت، برمی‌دارد و نشان می‌دهد که یک توجه و یک اهتمام ساده، چقدر ما را در زندگی پیش می‌اندازد.

ملاک دین‌داری است

اگرچه درک میزان دین‌داری و تقیدات مذهبی افراد، کار آسانی نیست، اما نماز اول وقت در این‌باره هم به ما کمک می‌کند تا پای‌بندی افراد به دین و آموزه‌هایش را بسنجیم. امام صادق(ع) در این‌باره فرموده‌اند: «شیعیان ما را در سه چیز بیازمایید: نخست در اوقات نمازشان که چگونه بر آن‌ها مواظبت می‌کنند...» (**منتخب میزان‌الحکمه، ص۵۰۶**) پیامبر اکرم(ص) نیز در این‌باره می‌فرمایند: «در دین‌داری مرد همین بس که بر گزاردن نمازها، بسیار مواظبت کند.» (**منتخب میزان‌الحکمه، ص۳۲۸**)

وقتی نماز، ما را دعا می‌کند!

خیلی از اوقات ما به دیگران التماس دعا می‌گوییم و منتظر اجابت خواسته‌هایمان با دعای دیگران هستیم، حال آنکه نماز اول وقت بدون گفتن این التماس، ما را مشمول دعای خیر می‌کند؛ یعنی آن‌ها که به نماز اول وقت اهتمام دارند و آن را بر هر کار دیگری مقدم می‌دانند، از دعای نماز در حق خود، بهره‌مند می‌شوند؛ امام صادق(ع) در این‌باره می‌فرمایند: «هرکه نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و درست ادا کند، فرشته، آن را پاک و درخشان به آسمان رساند و آن نماز فریاد زند خدا تو را حفظ کند، چنان‌که حفظم کردی و تو را به خدا سپارم، چنان‌که مرا به فرشته‌ای کریم سپردی و هرکه بدون عذر بعد از وقتش، آن را بدون دقت و ارتباط معنوی لازم بخواند، فرشته آن را سیاه و تاریک بالا برد و آن نماز فریاد کشد خدا ضایعت کند، چنان‌که ضایعم کردی و رعایتت نکند، چنان‌که رعایتم نکردی!» (**وسائل‌الشیعه، ج۴، ص۱۲۳-۱۲۴**)

انسان را به مقامات بالا می‌رساند

بزرگان و علما هم در طول تاریخ درباره نماز اول وقت توصیه و سفارش بسیار کرده‌اند؛ ازجمله مرحوم آیت‌الله سیدعلی قاضی که می‌گفت: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند!» همچنین مرحوم آیت‌الله بهجت در پاسخ به سؤال از اینکه «آیا سخن آقای قاضی مربوط به نماز با حضور قلب است یا نه؟»، فرمود: «نه! اگر نماز با حضور قلب[مرادشان باشد]، آن‌وقت سؤال می‌کنند که چگونه نماز[با حضور قلب] را بخواند؟ به چه سببی بخواند نماز کامل را؟ اینکه چیزی به دست نداد. وقتی چیزی به دست می‌دهد که بگوید مطلق نماز، مطلق نماز را کسی مقید باشد در اول وقت، به نماز عالی می‌رسد؛ روزبه‌روز بالاتر می‌رود.» آیت‌الله بهجت همچنین در جواب این سؤال که برای ازدیاد محبت به حضرت حق و ولی‌عصر(عج) چه کنیم، مرقوم کرد: «گناه نکنید و نماز اول وقت بخوانید!»

درنگ

۵درس از مکتب علوی برای زندگی مدرن

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدعلی پورحسینی‌نقفی
نویسنده و فعال فرهنگی

دهه ولایت و امامت، تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه فرصتی است تا گرد از چشمانمان پاک کنیم و نگاهی دوباره به آیینه‌ای بیندازیم که زیباترین تصویر انسانیت را در خود جای داده است. آیینه‌ای به نام «علی»؛ مردی که خدا، او را به نامش می‌شناخت و مردم، او را به کردارش. امروز که در هیاهوی زندگی شهری و پیچ‌وخم‌های روزمره غرق شده‌ایم، شاید شنیدن صدای رسای حضرت امیرالمؤمنین(ع)، چون قطره‌ای آب زلال در کویر تشنگی روحمان، اثری شگرف داشته باشد. بیایید نگاهی به چند ویژگی کلیدی از سیره آن حضرت بیندازیم که چراغ راه زندگی ماست.

۱. ایستادگی در طوفان، نه در ویرانی

حضرت علی(ع) قهرمان میدان جنگ بود، اما قهرمان واقعی‌تر در میدان صبر. وقتی امانت خلافت غصب شد، او با «موقعیت‌شناسی» و نه با خشونت، سکوت کرد تا دین و امت حفظ شود. این درس بزرگی برای ماست؛ گاهی اوج قدرت، در توانایی «نگرفتن» و «صبر کردن» است تا کل بنای ارزش‌ها ویران نشود. امام علی(ع) فرمود: «ترسیدم اگر برنخیزم، دین را ویران یابم؛ و مصیبت ویرانی دین، از واگذاری ریاست، بسیار گران‌تر است.» (**نهج‌البلاغه، نامه۶۲**)

۲. خلوت‌گزینی عاشقانه

او که به «اسدالله» معروف بود، در خلوت‌های شبانه‌اش، با خدا زمزمه می‌کرد؛ نه از سر ترس که از سر عشق. او از خدا می‌خواست گناهانی را که حتی خود او هم فراموش کرده بود یا در دلش به ثمر ننشسته بود، بیامرزد. این یعنی توان انسان‌های بزرگ؛ آن‌ها هرچند به قله‌های معنویت رسیدند، هرگز خود را بی‌نیاز از درگاه مهربانی ندانستند. (**نهج‌البلاغه، دعای۷۸**)

۳. روراستی با مردم، دعوت به گفت‌وگوی صادقانه

امام علی(ع) در نامه‌ای به مردم مصر فرمود: «آن‌گونه که با خودکامگان رفتار می‌کنید، با من رفتار نکنید!» (**نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶**) او از ما می‌خواهد که ریاکاری را کنار بگذاریم و با او صادق باشیم. او از «محافظه‌کاری» و «تعارف‌های توخالی» متنفر بود و می‌خواست مردم بدانند که شنیدن حقیقت، او را آزار نمی‌دهد، بلکه کرامت انسان را حفظ می‌کند.

۴. اخلاق؛ شاهکار فلسفه علی(ع)

نهج‌البلاغه، فقط کتابی از خطبه‌ها نیست؛ کتابی است از «چگونه زیستن». امام علی(ع) به ما یاد داد که حسد، کبر، حسادت و دنیاپرستی، زهرهای تلخی هستند که روح را مسموم می‌کنند. درمقابل، او «خوش‌خلقی»، «بردباری» و «راستگویی» را ستون‌های شخصیت انسانی می‌دانست. او به ما آموخت که حتی با مخالفان (مانند خوارج) نیز باید با مهربانی و استدلال گفت‌وگو کرد، نه با خشونت. (**نهج‌البلاغه، خطبه۲۹ و خطبه۳۴**)

۵. خداشناسی عقلانی

علی(ع) به ما یاد داد که خدا را با حواس پنج‌گانه نمی‌توان دید، اما با «دل» می‌توان درک کرد. (**شیخ‌صدوق، توحید صدوق، ص۷۹**). او با استدلال‌های عمیق فلسفی نشان داد که خدا واحد است؛ نه به معنای عدد یک، بلکه به معنای یگانگی مطلق و بی‌نیازی از هر محدودیت. (**نهج‌البلاغه، خطبه۱۸۵**) این نگاه، به ما می‌آموزد که در جست‌وجوی حقیقت، از عقل و تفکر غفلت نکنیم.

هفته ولایت، یادآور این است که الگوی ما، مردی است که در اوج قدرت، فروتن بود، در اوج غم، صبور بود و در اوج عشق، عاشقانه می‌زیست. بیایید در این هفته، عهد ببندیم که کمی بیشتر شبیه حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) باشیم؛ کمی بیشتر صبور، کمی بیشتر صادق و خیلی بیشتر عاشق خدا و انسان‌ها. حقیقتا «علی»، نامی است که معنای آن را می‌توان در رفتارهای کوچک روزانه جست‌وجو کرد: یک لبخند، یک بخشش، یک راستی و یک نیکی، حداقل‌های آشنایی با امیرالمؤمنین علی(ع) است.